



مجموعه مقالات درباره رفتار مجرمانه

کلایو آر. هالین، اما ج. پادار

مترجم:

نادر اسماعیلی

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات درباره رفتار مجرمانه / اوپرستاران کلایو آر. هالین، اما ج. پامر؛ مترجم نادر اسماعیلی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۱۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۷-۷۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Offending behavior programmers: development application, and controversies

موضوع: بزه‌کاران و مجرمین - توانبخشی

موضوع: بزه‌کاران و مجرمین - انگلستان - توانبخشی

موضوع: بزه‌کاران و مجرمین - انگلستان - خدمات بهداشت روانی

موضوع: زنان - خدمات بهداشت روانی - انگلستان

موضوع: روان‌شناسی - بیبی

موضوع: روان‌درمانی گروهی

شناسه افزوده: هالین، کلایو آر. ۱۹۶۰ م.

شناسه افزوده: Hollin, Clive R.

شناسه افزوده: پامر، اما ج.

شناسه افزوده: Palmer, Emma J.

شناسه افزوده: اسماعیلی، نادر، ۱۳۵۰، مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه علوم انتظامی ناجا. معاونت پژوهش

رده بندی کنگره: HV۹۲۷۵/۳م ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۳۶۵/۶۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۴۰۳۸۶

مجموعه مقالات درباره رفتار مجرمانه

انتشارات دانشگاه علوم انتظامی

مولفان: هالین، کلایو آر، پامر، اما ج.

مترجم: نادر اسماعیلی

ویرایش: اداره کل منابع و متون درسی

طراح جلد: سید مجتبی حسینی دولت آبادی

صفحه‌آرایی: خدیجه کبیری

چاپ اول: زمستان ۹۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و نشر عقیدتی سیاسی ناجا (ایمان)

نشانی دانشگاه: تهران، اتوبان شهید همت غرب، دانشگاه علوم انتظامی ۴۸۹۳۱۲۹۶

قیمت: ۱۷۵۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ جلد

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
پیش‌گفتار.....	۴
درباره گردآورندگان.....	۵
مقدمه مؤلف.....	۱۱
مقاله اول: برنامه‌هایی درباره رفتار مجرمانه: تاریخچه و توسعه.....	۱۵
مؤلف: کلایو آر. هالین و اما جی. پالمر	
مقاله دوم: برنامه‌هایی درباره رفتار مجرمانه و محتوا: شیوه کار مبتنی بر شاهد،	
آیین‌نامه و ارزیابی برنامه.....	۶۱
مؤلف: کلایو آر. هالین	
مقاله سوم: برنامه‌های عمومی مربوط به رفتار مجرمانه: مفهوم، نظریه و شیوه کار.....	۱۱۵
مؤلف: جیمز مک کور	
مقاله چهارم: برنامه‌های درمانی در هکارت: حشن: مفهوم، نظریه و شیوه کار.....	۱۸۱
مؤلف: دی وون ال. ال. پولاش	
مقاله پنجم: برنامه‌های درمان بزهکاران جنسی: مفهوم، نظریه و شیوه کار.....	۲۴۳
مؤلف: روت ای. مان و یولاندا ام. فرناندر	
مقاله ششم: برنامه‌های مربوط به الکل و مواد مخدر: مفهوم، نظریه و شیوه کار.....	۲۷۵
مؤلف: مری مک موران	
مقاله هفتم: اجرا و ابقای کیفیت خدمات در برنامه‌های برخورد بزهکار.....	۳۲۱
مؤلف: کلایر گوگین و پائول جندرا	
مقاله هشتم: برنامه‌های رفتار مجرمانه: بحث‌ها و تحلیل‌ها.....	۳۷۳
مؤلف: کلایو آر. هالین و اما جی. پالمر	

پیشگفتار

کسب علم و دانش و تلاش برای بهره‌گیری از علوم جدید و بومی‌سازی آن برای رفع نیازهای علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به منظور اعتلای اقتدار امت اسلامی از توصیه‌های مهم اسلام است. علوم پلیسی که همگام با پیشرفت بسیاری از علوم محض و تلفیق آنها با یکدیگر، روز به روز نو می‌شود و مرزهایی تازه از دانش می‌سازد، از جمله علمی است که رخت آن در کشورمان در حال رشد و نمو و ثمردادن است.

ترجمه آثار علمی برجسته و معتبر و اشاعه مفاهیم آنها از جمله رهیافت‌های کارآمد و اثربخش است که می‌توان در سایه آن بستری مناسب برای حرکت نخبگان و کارشناسان علوم پلیسی در کشورمان ساخت. بدیهی است تلفیق همگن تجربه‌های کارشناسان امور پلیسی داخلی با علوم و تجربه‌های کارشناسان و خبرگان علوم پلیسی دیگر کشورها باعث پیشبرد دانش پلیسی در کشور خواهد شد. از این رو، بر آن شدیم تا با ترجمه حاضر، گامی هرچند کوچک در این مسیر بلند برداریم. امید است آثاری از این دست بتواند نویسندگان، محققان، کارشناسان و استادان را برانگیزاند تا تجربه‌ها و توان علمی خود را متبلور کنند و به رشته تحریر درآورند.

معاونت پژوهش‌ها و انتشارات دانشگاه علوم انتظامی

درباره گردآورندگان

کلای و آر. هالین^۱: وی استاد رشته روان‌شناسی جرم‌شناسی از دانشگاه لیستر و رئیس مرکز آموزش روان‌شناسی اداره علوم بهداشتی این مرکز می‌باشد. وی در کنار شغل‌های دانشگاهی، به کار روان‌شناسی در زندان و مدیر اصلاح و تربیت سازمان بازپروری جوانان و همچنین در بیمارستان رمپ تن به عنوان روان‌شناس به مشاوره حقوقی می‌پرداخت. علاقه تحقیقاتی عمده وی روان‌شناسی و جرم‌شناسی به‌ویژه در ارتباط با مدیریت و تربیت بزهکاران می‌باشد. وی در زمینه روان‌شناسی جرم‌شناسی به انتشار کتبی با بهترین فروش در متن تحت عنوان روان‌شناسی و بزهکاری مقدمه‌ای بر روان‌شناسی جرم‌شناسی، رسانه ارزیابی و اصلاح بزهکار پرداخته است. هالین از اعضای هیئت تحریریه روزنامه روان‌شناسی، بزه و قانون و نیز به عنوان مشاور چندین سازمان ورزشی و ادارات دولتی از جمله سازمان زندان و مرکز تعلیق مراقبتی فعالیت داشته؛ همچنین در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های کاهش بزهکاری نیز فعالیت دارد. در سال ۱۹۹۸ وی به دلیل همکاری در زمینه روان‌شناسی جرم‌شناسی و قانونی توسط بخش روان‌شناسی جرم‌شناسی و قانونی انجمن روان‌شناسی به دریافت دوره سینیور نایل شد.

اماجی. پالمر^۲: وی اولین سخنران در رشته روان‌شناسی حقوقی در اداره علوم بهداشت دانشگاه لیستر می‌باشد. زمینه‌های علاقه وی در تحقیقات عمدتاً شامل: نقش والدین و شناخت اجتماعی در توسعه بزهکاری نوجوانان، به‌ویژه استدلال اخلاقی، طراحی و ارزیابی اثربخشی مداخله‌های بزهکاران، برآورد خطر ریز و آسیب بزهکاران در زندان‌ها می‌باشد. وی در زمینه‌هایی چون رفتار مجرمانه: استدلال اخلاقی، هدایت جنایی و بازپروری بزهکاران مقالاتی به چاپ رسانده است. دکتر پالمر، برای چندین سال به عنوان مشاور سازمان زندان و سازمان تعلیق مراقبتی و همچنین معاون نخست‌وزیر، تحقیقات و مشاوراتی را انجام داده است. این ادارات و مؤسسات به کنترل و بررسی بزهکاران و رفتار آنان و همچنین طراحی و ارزیابی تأثیر مداخله‌ها می‌پردازند.

۱. Clive R. Hollin

۲. Emma J Palmer

مقدمه‌ای بر گردآورندگان

درباره این مجموعه

اکنون که ما به تألیف این کتاب می‌پردازیم در دوره‌ای زندگی می‌کنیم (بدون شک در انگلیس و دیگر بخش‌های اروپا و شاید در مناطق کمی از جهان) که برای رویکردهای ساختاری به کار با بزهکاران و پیشگیری از بزهکاری در آنان شور و علاقه دیگری به وجود آمده است. منظور ما از این گفته چیست و ما بر چه اساسی این را می‌گوییم؟

در ابتدا باید بگوییم که منظور ما در استفاده از شیوه‌های مؤثر و فنون تغییر رفتار در برنامه درمان بزهکاران، «رویکردهای سازنده برای کار با بزهکاران» می‌باشد. در حقیقت این دیدگاه مدرن است که به عنوان تعریف روان‌شناسی قانونی بالینی مورد قبول قرار گیرد. پس ما استفاده از نظریه و تحقیق را به منظور توسعه شیوه عملی با هدف ایجاد تغییر و تحول در عملکرد بزهکار توصیه می‌کنیم. واژه سازنده واژه مهمی است و می‌توان آن را در برابر رویکردهایی به اربرد که به واسطه روش‌های مخرب صورت می‌گیرند، چنین رویکردهای مخربی به نوعی جتنی بر اصول بازدارندگی و مجازات بوده و از طریق رعب و ترس، عمل بزهکار را سرکوب می‌کند. به عبارت دیگر، رویکرد سازنده‌ای عمل بزهکار را دچار تغییر می‌کند که امکانات برای کار و اشتغال، خودکنترلی بیشتر، عملکرد بهتر خانواده یا ارتقای سطح آگاهی از درد زه‌دیده را شامل شود.

یک رویکرد سازنده همواره با نقد یک واکنش «ضعیفانه» آسیب بزهکار همراه بوده، به گونه‌ای که نه کسی را مجازات می‌کند و نه کیفر مجازاتی را به مرحله اجرا درمی‌آورد. این اصل سؤال مهمی را برای افرادی که به کار با بزهکاران می‌پردازند مطرح می‌کند. سؤال این است که آیا مدافعان رویکردهای سازنده می‌بایست با مجازات‌ها به عنوان هدف نظام عدالت کیفری همچون فرایندی که با درمان و بازپروری ناهماهنگ و ناموزون است به مخالفت بپردازند؟ ما اعتقاد داریم که این موضوع نیاز به بحث و گفت‌وگوی جدی دارد.

حال به نکته آغازین بحث برمی گردیم. تاریخ نشان می دهد که نظام عدالت کیفری با اندکی تلاش در جهت انجام کار مفید و مؤثر با بزهکاران درهم آمیخته و اقدامات صورت گرفته موفقیت آمیز نبوده است. دومین بخش جمله نخست قابل توجه است و آن « رویکردهای سازنده کار با بزهکاران برای پیشگیری از بزهکاری می باشد.» برای پیشگیری از بزهکاری می بایست اقداماتی پیرامون اهداف کامل تغییر رفتار صورت گیرد. با توجه به این نکته حساس، اندروز و بونت (سال ۱۹۹۴ ص ۱۷۶) به تدوین اصل نیاز پرداختند:

برخی از بزهکاران، به ویژه بزهکاران پرخطر دارای نیازهای مختلفی هستند. آنها نیاز به مکانی دارند تا به زندگی و کار پرداخته یا اینکه نیاز به ترک اعتیاد دارند، برخی از اعتماد به نفس کمی برخوردارند و برخی سردردهای مزمن یا کرم خوردگی دندان دارند. اینها همه نیاز به شمار می روند. اصل نیاز توجه ما را به اختلاف بین نیازهای جرمزا و غیر جرمزا معطوف می کند؛ بنابراین نیازهای جرمزا زیرمجموعه ای از میزان خطر بزهکار هستند. این نیازها ویژگی های پایایی دارند. بزهکار بوده و زمانی که نیازها تغییر می کنند با تغییرات موجود در احتمال تکرار بزهکاری مشارکت دارند. نیازهای غیر جرمزا نیز پویا و قابل تغییر بوده؛ اما این تغییرات به اجار در احتمال تکرار بزهکاری مشارکت ندارند؛ بنابراین، اقدامات موفقیت آمیزی که در مورد بزهکاران انجام می گیرد می توان بر حسب ایجاد تغییر در نیاز غیر جرمزا یا جرمزا قضاوت کرد. در حقیقت، این موضوع زمانی حائز اهمیت است و ممکن است پیش بینی مهمی برای کار بزهکار باشد که نیاز جرمزا را تغییر داده و معیار کار درمان بزهکاران باشد.

همان گونه که در بالا نیز بدان اشاره شد، وقتی که پیشینه کار با بزهکاران با شکست هایی نیز همراه است، از اوایل دهه ۱۹۹۰ اساس و پایه ای حقوقی به ویژه فراتحلیل ها توسعه یافته (به عنوان مثال، لوسل، ۱۹۹۵) و در حال حاضر از سر گونه اقدامات مفید و مؤثر برای پیشگیری از افزایش بزهکاری، به شدت حمایت می شود. پارامترهای اقدامات عملی مبتنی بر ادله به خوبی ایجاد شده و در سطح وسیعی با جریانی تحت عنوان « چه اقداماتی؟ » انتشار یافته اند. (مک گوئر، ۱۹۹۵)

آنچه مهم است آن است که ما از این موضوع که تنها یک دیدگاه پیرامون پیشگیری از بزهکاری وجود دارد حمایت نمی‌کنیم. به وضوح می‌توان گفت که دیدگاه‌هایی وجود دارند که بر پایه نظری متفاوت جنبه عملی دارند. با این وجود، به دنبال جریان «چه اقداماتی» دانشگاهیان، پزشکان و سیاست‌گذاران شتاب بیشتری گرفته و آنان از این احتمالات بهره می‌گیرند که این تحقیق تنها برای پیشگیری از بزهکاری قابل طرح می‌باشد در حال حاضر این وظیفه که فراروی برخی سازمان‌های خدماتی است در تبدیل تحقیق به یک شیوه مؤثر قرار دارد.

هدف ما از تهیه این مجموعه در روان‌شناس بالینی قانونی تولید متونی برای بررسی تحقیق و نیز ترغیب کارشناس بالینی برای پیشرفت در کار مؤثر با بزهکاران است. ما نویسندگان این کتاب ایده و تفکر روش عملی مبتنی بر ادله را پذیرفته و نویسندگان را تشویق می‌کنیم تا این رویکرد را تداوم بخشند؛ بنابراین، کتب منتشرشده در این مجموعه راهنمای روش عملی یا یک «کتاب آشپزی» نمی‌باشند؛ این کتب به خوانندگان اطلاعات موثق و مهمی را توسعه می‌کنند که شیوه کار قانونی بالینی می‌تواند توسعه دهد. ما مایل به همکاری در انجام اقدامات مؤثری هستیم تا این کتاب را ادامه داده و مشتاقانه در انتظار توسعه این مجموعه در سال‌های آتی خواهیم بود.

درباره این کتاب

در حال حاضر بخش زیادی از تحقیقات، تفسیرها و اقدامات وجود دارند که نهضت «چه اقداماتی؟» را بیش از دو دهه مطابق با عملکرد بزهکاری پیشه‌گاری کردند. از این رو، از این نهضت انتقادات زیادی شده است (به عنوان مثال، مایر، ۲۰۱۱). تا زمانی که این انتقادات هدفمند بوده و افزایش تردید و دودلی جایی در این بحث ندارد، مباحثه‌ها به شکل بالقوه شدت و قوت می‌گیرند. یادآوری این نکته ضروری است که برای برداشتن علامت سؤال از عبارت «چه اقداماتی؟»، استدلال به شکلی منطقی ملال‌آور بوده و این جریان می‌بایست یک دانش به‌شمار رود و نه استبداد. ما نیاز به پرسش‌های متعددی داریم، این پرسش نه تنها شامل «چه اقداماتی؟» است؛ بلکه پرسش دیگری همچون چه

اقداماتی بر چه کسی و تحت چه شرایطی و چگونه می‌توان به آن پی برد؟ وجود دارد. نویسندگان این متن قصد دارند تا به طرح این مسائل دشوار بپردازند.

در نهضت «چه اقداماتی؟»، بازده مورد نظر همواره برای کاهش رفتار ضد اجتماعی و جرم آشکار بوده است. به زبان ساده می‌توان گفت که هدف، کاهش جرم بوده و جرم اندازه بازده است. با این حال، تشخیص این هدف به نظر ساده هر چه باشد؛ اما واضح و روشن است. بازده انتخاب یک جرم خاص (به عنوان نمونه، آیا هر بزهکاری را می‌توان به عنوان نقص یا شکست محاسبه کرد یا این سؤال که آیا یک بزهکاری کمتر به معنای موفقیت خواه بود؟)، جمع‌آوری داده‌های بازده معتبر (برای مثال طرح اینکه آیا ما می‌بایست علماً به عدم صحت پایگاه‌های اطلاعاتی رسمی استناد کنیم؟) و شناخت آنچه که اثر درمان خاصی بر میزان همه حوادثی که برای بزهکاران در نظام عدالت کیفری و فراسوی آن رخ می‌دهد، جمله مسائل و مشکلاتی هستند که فراروی کاهش بزهکاری قرار دارند. در حقیقت مهم آن است که ما می‌دانیم چه اقداماتی صورت می‌گیرد و این بستگی به درمان‌های ما و ارائه خدمات به یافته‌های غلط ندارد. این کتاب مجموعه‌ای از تحلیل‌های کارشناس موضوعات تحقیقات زیربنایی و بسیار مهم می‌باشد.

نتیجه مشاهده شده در کاهش تکرار بزهکاری، که ناشی از درمان می‌باشد به بیان بازآموزی اخلاقی، غیر شخصیتی و ماشینی می‌پردازد که در واقع بی‌تأثیر بوده است (برای مثال، به کمشال، ۲۰۰۴ مراجعه شود). این حالت از سال ۱۹۷۰ میلادی و فصل موضوعات اجرایی و نظری ناتوان می‌باشد. در سال ۲۰۰۴/زینور به تأیید این موضوع می‌پردازد که نهضت «چه اقداماتی؟» از نوعی حمایت تجربی بهره‌مند بوده؛ اما مسائل اجرایی انگلیس - به‌ویژه سرعت و اندازه برنامه - مانع از اجرای کامل درمان شده، از این رو بازده را با خطر روبه‌رو می‌سازد. اجرا، موضوع مهمی است و در این کتاب به نحوی مستدل مورد توجه می‌باشد.

فرا تحلیل‌هایی که پیرامون جریان «چه اقداماتی؟» صورت گرفته نشان می‌دهد که درمان در جامعه نتیجه‌بخش بوده و طرفداران این نهضت به دنبال مجازات کمتر، کمک بیشتر، تقاضای بیشتر جامعه و استفاده کمتر از زندان‌ها می‌باشند. (هالین، ۲۰۰۲: مک گوئر، ۱۹۹۵) برخی از متخصصان بهداشت روانی قانونی که در زندان‌ها مشغول به کار

هستند قادرند ضد بشر و درنده بوده و به زندانیان آسیب وارد کنند. تمام کسانی که به حبس محکوم می‌شوند، فرصت درمان انفرادی را کاهش می‌دهند. بر عکس، زندانیان این فرصت‌ها را افزایش می‌دهند. در برخی از زندان‌ها برنامه‌های درمان به همراه خدمات خود اصلاحی دیگری چون تحصیل و آموزش شغلی، نمایی از شیوه قوانین بشردوستانه زندان به شمار می‌روند. سؤالی که نیاز به پاسخ دارد آن است که: «چه نوع اقداماتی و با چه هزینه مالی و اجتماعی می‌بایست انجام پذیرد؟»

در جامه، خدمات می‌بایست به‌طور متناسب تأمین شده تا بزهکاری که نیاز به درمان دارند به دستی تحت درمان قرار گرفته و این درمان متناسب با نیازهایشان باشد. علاوه بر آن، کسانی که دوره درمان را آغاز می‌کنند برای تکمیل برنامه نیاز به کمک و حمایت دارند. این به معنای اهمیت خاصی برخوردارند؛ چراکه آن دسته از بزهکاری که برنامه درمان را شروع کرده‌اند نسبت به بزهکاران درمان نشده بیشتر در معرض تکرار بزهکاری قرار دارند. (هالین، ۲۰۰۵، مک موران و تئودوسی، برگرفته از جراید)

درمان‌های کم از هر نوعی باشد تا به حدی که مگر آنکه متناسب با نیازهای فردی و منطبق با توجه و مراقبت باشد. اجرای درمان کمتر از حد مطلوب (به هر دلیلی) و ارزیابی یک نتیجه ضعیف هیچ‌گاه توصیه نمی‌شوند. این کتاب علاوه بر مجموعه روان‌شناسی بالینی به دلیل ظرفیت آن در کمک به بهبود کیفی درمان بزهکار، کتابی مطلوب و مناسب است.

در حال حاضر تلاش جدیدی پیرامون بازپروری بزهکاران صورت نگرفته است. از قرن بیستم به منظور اصلاح و بهبود وضع زندگی بزهکاران تلاش‌هایی مشترکی صورت گرفته تا آنها بتوانند زندگی قانونمندی داشته باشند. برای نیل به این هدف از رویکردهای مختلفی بهره‌گیری شده که از آن جمله: امکانات رفاهی، آموزش اشتغال، تحصیل و درمان روان‌پزشکی و روان‌شناسی می‌باشند. اگرچه بیان آن دشوار است که بگوییم هر رویکرد دیگری نمونه کاملاً موفقی است؛ اما ممکن است این احتمال نیز وجود داشته باشد که همه این رویکردها، موفقیت کمی در پی داشته باشند؛ البته شرایط به‌گونه‌ای است که این احتمال وجود دارد یعنی: بعید به نظر می‌رسد که پیچیدگی رفتار انسان در یک حیطه کاملاً اجتماعی همچون گلوله سحرآمیزی باشد که می‌تواند همه بزهکاران را با اثر بخشی یکسان توان بخشد.

در اواخر قرن بیستم با پیشرفت مهم در کار درمان بزهکاران در چارچوب درمان سنتی آنان صورت گرفت. اولین پیشرفت، حرکت به دور از رویکردهای درمانی بود که بر اساس الگوهای آسیب‌شناسی روانی صورت گرفت. تلاش‌های اولیه‌ای که برای درمان بزهکاران صورت گرفت، وابسته به انتقال تکنیک‌های درمانی در جریان کار بالینی است. انتقال این تکنیک‌ها به بزهکاران، در استفاده از روش‌هایی چون درمان گروهی، مشاوره و جامعه درمانی به وضوح دیده شد. با این وجود، همان‌گونه که پایه علم و تحقیق با روان‌شناسی پیشرفت کرده است، به دو، از نظریه‌های تند آسیب‌شناسی درمانی (بر اساس تحقیقاتی با نمونه‌های بالینی) این تغییر به سوی مسیر اصلی بیشتر نظریه‌های روان‌شناسی بوده است. علاوه بر آن، تأثیر عمده ناشی از تحقیقات و اقدامات آگاهانه بوده و به واسطه نظریه رفتاری به خصوص نظریه آموزش اجتماعی^۱ اطلاع‌رسانی شده است.

هدف از طرح نظریه‌های رفتاری توصیف رفتار انسانی، به ویژه رفتار اجتماعی در بافت اجتماعی است؛ بنابراین، نظریه رفتاری می‌تواند برای تشریح رفتار جنایی با همان

روش کاربردی در دیگر رفتارها از قبیل رفتار با والدین، نوع دوستی، رفتار در کلاس درس و ... به کار رود. یکی از علائم نظریه آموزش اجتماعی آن است که سبب درک شناخت در حوزه رفتاری می شود و در اصطلاح به آن شناختی- رفتاری می گویند. به طور کلی یک تحلیل شناختی- رفتاری سبب توسعه رویکردهای شناختی- رفتاری در تغییر رفتار می شود. به عنوان مثال، این رویکردها در روان شناسی تحصیلی و شغلی برای اهداف مختلفی چون اصلاح آموزش دانش آموز و اثربخشی مدیریتی به کار می رود.

تئوریه ر بزهکاری که در چارچوب ساختار شناختی- رفتاری به ادله توجه داشتند، بیان جدیدی از رفتار مجرمانه را شکل می بخشد. رفتار مجرمانه بر حسب آسیب شناسی روانی نبوده؛ بلکه از نظر رفتار اکتسابی به ویژه رفتاری که در چارچوب مفهوم اجتماعی آموخته شده، می باشد. مسیری که در آن رفتار مجرمانه آموخته شده بود هیچ گونه تفاوتی با این مسیر در رفتار دیگری آموخته شده بود وجود نداشته، در نتیجه هیچ گونه ناهنجاری یا انحرافی به چشم نخورد. علاوه بر این رفتار مجرمانه، رفتاری است که به دلایل مختلف به مردم آسیب رسیده و به شکلی خاص منجر به زندگی اثربخش و مفیدی برای بزهکار بازداشت شده می شود؛ بنابراین، هرگاه بتوان شکل های جدیدی از رفتار را آموخت که بزهکاران بتوانند برای کاهش بزهکاری خود از آن استفاده نمایند، چنین رویکردی دارای فواید و امتیازاتی می باشد. بنابراین، با تأکید بر یادگیری رفتارهای جدید- به معنای رایج «درمان» یک بیمار، می باشد. در واقع، اصطلاحات متعددی همچون روان تربیتی مصطلح شده است؛ اما بدون شک این اصطلاحات حس بدی داشته و معنای «درمان» به قوت خود باقی می ماند.

در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، همان گونه که رویکردهای شناختی- رفتاری تحقیق و مداخله به گردآوری اساس ادله برای جمع آوری در چارچوب سنت برنامه درمان بود، این امر با توجه به توسعه برنامه رفتار مجرمانه سرانجام موجب دومین پیشرفت مهم گردید. انتشار فراتحلیل های اثربخشی مداخله در بزهکاران و سرانجام تلفیق این مطالعات پیرامون نهضت «چه اقداماتی؟» درهم آمیخته شده است. مبنای عملی «آنچه که اقدام می شود» آن است که اگر درمان (به معنای شناختی- رفتاری) طبق اصول مبتنی بر

ادله قطعی طراحی شده باشد، پس می‌توان گفت که احتمال کاهش بزهکاری وجود دارد. در عمل، این اقدام بر طبق اصل «آنچه که اقدام می‌شود» در اواخر دهه ۱۹۹۰ منجر به تلاش‌های مشترکی در توسعه برنامه‌های رفتار مجرمانه گردید و از دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن بیست، زمان و بودجه زیادی به برنامه‌های رفتار مجرمانه اختصاص یافت. هدف ما از تألیف این کتاب انعکاس پیشرفت، توسعه، اجرا و ارزیابی برنامه‌هایی درباره رفتار مجرمانه تا امروز می‌باشد. تجربه ما، افکارمان را همچون ارزیابی ملی گسترده برنامه‌هایی برای رفتار مجرمانه محققان در انگلیس و ولز شدت بخشیده است. ما امیدواریم که تأثیر عمیق دیگر اعضای تیم تحقیق یعنی: شارلوت بیل بی^۱، روت هاجر^۲ و جیمز مک گوئر^۳ در همه جلسات طولانی که ما با افکار، داده‌ها و تحولات مدیریتی ریز کامپیوتهای وزارت کشور به مباحثه می‌پرداختیم، مورد تأیید قرار گیرد. *ایلان آلن* خطوط بند و مقاله ما را اصلاح و ویرایش کرد. امید داریم که تلاش‌های ما به‌عنوان یک همکاری با رفقایمان در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

کلایو آر هالین و اِما پالمر

1. Charlotte Bilby

۲. Ruth Hatcher

۳. James McGuire